

سریال های ترکیه ای و تماشاگران ایرانی

این روزها گروه بیشماری از مردم دچار بیماری "سینما و تلویزیون ترکیه" شده اند. این سریال ها اول محدود به یکی (عاسی) بود اما امروز دو عددی شده اند؛ و بموازات آن ها تعداد کانالها و ماهواره های پخش شان هم به چارو پنج وشش رسیده است. علت عمده ی این جذابیت ها به شرح زیرست:

- 1 - خلاء فیلم های جذاب و سریالهای سرگرم کننده ی در تلویزیون دولتی ایران بدون پند و اندرز و ارشاد.
- 2 - وجوه مشترک و قابل فهم فیلم ها و سریالهای ترکی به سبب شباهت های اجتماعی/ قومی/ دینی دو فرهنگ ترکی و ایرانی
- 3 - نوستالژی دوران ابتدال بدون ارشاد و منکرات و الزامات دینی دهه های چهل و پنجاه

در بخش اول نیازی به توضیح نیست که صدا و سیمای جمهوری اسلامی با شعارهایی که در سه دهه گذشته داده است خود را درقل و زنجیرهایی گرفتار کرده که اگر در خوشبینانه ترین صورت قصد و نیت فرار از آنها را هم داشته باشد به سختی می تواند آنها را از دست و پای خود بردارد. به یاد بیاوریم شعار "تعهد؛ نه تخصص" را که چارو را به دست قشری ترین لایه های اجتماعی داد تا فرهیخته ترین و تحصیل کرده ترین قشرهای خادم را از صحنه حضور اجتماعی پاک کنند و به انزوا برانند.

آثار منفی این شعار در همه شئون اجتماعی، اقتصادی، روانی و فرهنگی کشور آنچنان آشکار است که حاجتی به شرح و بسط ندارد و شکل نهائی اش در بی ریشه ترین دولت ها یعنی دولت نهم و دهم جلوه کرد

این اندیشه و باور نه تنها کشور پیشرفته و متمدن ما را در سرایشی سقوط قرار داد، که اتفاقا - نه - بل - مشخصا- همسایگان ما را برای بلعیدن ما مستعد کرد و بخش پشت پرده این مقوله ، همین سریالهای ترکی است که موضوع این یادداشت است.

- 4 - اما در بخش دوم نگاهی داریم به جاذبه های فیلم ها و سریالهای ترکی برای ما ایرانیان

الف: جاذبه های ظاهری

هر انسانی پاکیزگی، نظم و زیبایی را دوست می دارد و آنرا به پلشتی، آشفستگی و زشتی برتری می دهد

شهرهای نظیف، منازل مرفه و اجتماعات متمدن که در بیشتر سریالهای ترکی حضور دارند که در چشم های مشتاق بیننده ایرانی یادآور دهه های چهل و پنجاه است و حسرت نسل میانه و آرزوی نسل جوان ما را زنده می کند.

ب: داستان و روایت

داستان فیلم‌ها سعی دارند از الگوهای جاری هالیوودی/بالیوودی روابط افراد، عشق‌ها، رازها و خانواده‌ها بگویند و با افزودن چاشنی توطئه، گره، تعلیق و رمزهای سینمایی، کنجکاو‌ها را بجنبانند تا بیننده را برای قسمت‌های بعدی مشتاق نگه دارند. این روایت‌ها دست کم این امتیاز را دارند که ادعای اخلاق ندارند. بسیار تردید دارم که این بخش را صفتی مثبت برای فیلم‌های ترکی به حساب بیاورم و سوای فیلم "حریم سلطان" که جداگانه بررسی خواهم کرد، اساساً غیر قابل توصیه هستند.

هر چند نگارنده قویاً به ارزشها پابند هستم؛ اما بیان مستقیم و اغلب توهین آمیز روش‌های فیلمفارسی اسلامی را از علل عمده بیزاری مردم از تولیدات سریال ایرانی می‌شناسم. از آنجا که این ردیف فیلم‌ها که بسیاری از تماشاگران ایرانی به ویژه خانم‌ها را درگیر خود کرده است در ردیف آشغال‌فیلم‌اند از بحث آن می‌گذریم و تنها در مورد یک فیلم صحبت می‌کنیم که:

الف: جنبه‌ی تاریخی آن- ولو نه تحقیقات درست- توجیهی برای دیدن آنست.

ب: تا حدود قابل قبولی از معیارهای بقیه آشغال‌فیلم‌ها دور است.

اینسریال ترکی "حریم سلطان" است که مربوط به سلطان سلیمان عثمانی و بخشی از تاریخ این کشور همسایه و هم‌دین ما است و ظاهراً پر بیننده‌تر از سایر سریال‌هاست و از آنجائیکه بهانه‌ی تاریخی دارد ابتذال‌های سایر سریال‌ها را کمتر در خود جمع کرده است. نمی‌دانم چند سال یا چند وقت است که این سریال در کانال "چم" و "ریور" ادامه دارد. اما به هر دلیل ناگزیر شدم برای درک علت توفیق عظیم آن بین ایرانیان - و حتا اهل کتاب و قلم- به تماشای آن بنشینم و آنچه اینجا می‌آورم نتیجه دیدن قریب به هفت هشت بخش از این مجموعه است.

1 - حریم سلطان برحسب اسمش، روایت حوادث زندگی جاری در حرمسرای سلطان سلیمان

عثمانی است که از سال 1520 تا 1566 تاج و تخت عثمانی را صاحب بوده است.

2 - وجود مادر و خواهر سلطان در کنار زنان عقده‌ی، سوگلی‌ها و سایر خاتون‌های جوان

و سرگردان، بستر مناسبی برای ظهور و بروز حسادت‌ها و کینه‌توزی‌ها و توطئه

هائی است که عموماً در این نوع دربار‌ها جاری و ساری بوده است (مشابه دربار‌های

اروپا، دربار صفوی و قاجاری خودمان)

3 - قدرت خواهی و سلطه طلبی سلاطین عثمانی، جنگ‌ها و فتوحات آنها که دو سه قرن

خونهای زیادی در بلاد فرنگ ریخت و تخم کینه‌های امروزین را کاشت؛ و در حاشیه

حوادث سرگرم کننده‌ی حرمخانه جاریست، تنها برای رفع خستگی و ملال تعبیه شده

اند. این روایت‌ها بسیار ناقص، گنگ و ابتر به زبان فیلم جاری می‌شوند و در شکل

حداقلی به صحنه‌های حرمسرا چسبیده اندمانند لشگرکشی‌های دریائی و حتا خیلی کمتر

از آن یعنی نمای شهر قسطنطنیه (مقر حکومت) و ایالت‌های دیگر، که در قواره‌ای

نحیف ترسیم شده است و فیلم حتا از این کوشش دریغ ورزیده است که تا حدود "دقیقه"

این صحنه‌ها را با کمک تکنولوژی سه بعدی انیمیشن خلق کند و به خلق بینندگان

بریزد.

این حداقل ها چند پلان تکراری از چند تابلوی نقاشی شده آنهم در چند ثانیه ی کوتاهست که حتی فرصت دیده شدن کافی هم به بیننده نمی دهد تا درک شوند و ولننگاری کارگردان / ادیتور به حساب می آید.

لازمست بگویم نام فیلم حکم کلی را صادر کرده و توقع یک فیلم روایی تاریخی را از ما می گیرد. انصاف را یک سریال تلویزیونی همین است و نه بیش.

4- کل سریال در لوکیشن بسیار محدودی فیلمبرداری شده است که احتمالاً گوشه ای از یک قصر نسبتاً قدیمی و بعضاً گوشه ای از یک باغ یا جنگل یا حاشیه ی شهرست و در حد لوکیشن های سریال "قهوه تلخ" و کاخ نیاوران است. البته قهوه تلخ به هیچ روی ادعای تاریخی بودن ندارد؛ سهل است که ضد تاریخ بوده و از یک طنز سینمایی فراتر نمی رود.

5- آرایش صحنه و طراحی لباس از دیدنی های فیلم است و باید نمره ای در خور به آن داد. یقین است که طراح با کار خود و فضاهای درباری عثمانی آشنا بوده است.

(هرچند آدم نمی تواند جلوی خنده ی خود را از کلاه های شبیه لوستر پاشا ها بگیرد!)

6- بازی ها- در این مرحله که من دیده ام یعنی قسمت های یکصد و شصتم/هفتادم- برای یک سریال تلویزیونی قابل قبول است اگر چه در جاهائی افت و خیز و فراز و فرودهای زیادی دارد. اما شخصیت های اصلی مثل خود سلطان، خدیجه سلطان خواهرش، ملکه ی بلوند(خرم سلطان) و دختر نوجوانش (مهری ماه) وزیر اعظم (ابراهیم پاشا) کاملاً نقش خود را باور کرده اند.

7- فیلم کاملاً روی بازارهای مصرف خاورمیانه - کشور های اسلامی/ عرب/ ایرانی منطقه فوکاس دارد و کاملاً مراقب پوشش و رفتارهای اسلامی بازیگران ست. نباید البته چشم به تضاد های جاری در آن بست: مثلاً در حالی که دامن همه زنان کاملاً بلند ند و پا هارا می پوشاند و صد البته از صحنه های بستر و بوسه و عشق ورزی علنی اجتناب شده است ، اما باز بودن گردن و سینه زنان که از فرهنگ اروپائی آمده در آن دمیده است قابل تطبیق و توجیه نیست. باور می کنم که طراح لباس از تصاویر مستند جهانگردان اروپائی قرون هفدهم و هجدهم حداکثر استفاده را کرده است و از این جهت نمره ی فیلم خوبست.

8- ضعف های اصلی و چشمگیر فیلم که هر بیننده غیر حرفه ای نیز متوجه آنها می شود از این قرارند

الف: صحنه های بیرونی مانند بازار شهر که در حداقل یک فضای میدانی یعنی در طول و عرض ده دوازده متر فیلمبرداری شده است و تصنعی بودن آن اظهر من الشمس است.

ب: صحنه های جنگ های دریائی که قبلاً گفتیم

ج: لوکیشن شهر قسطنطنیه(استانبول امروز) و بلاد دیگری که ولیعهد در آنست ناگزیر باید بازسازی می شد. این معضل را امروز استودیو های سینمایی به آسانی حل کرده اند به این معنا که از امکانات دیجیتالی فضا سازی دو بعدی و سه بعدی استفاده کرده و شهر را به صورت دلخواه، مناسب با زمان فیلم می سازند. تهیه ی چنین نسخه ی دیجیتالی ممکن است برای سریالها ی کوتاه اقتصادی نباشد؛ اما برای سریالی در چند صد قسمت یک ساعته، درصد کمی از بودجه را می طلبد که باید منطقاً قابل پرداخت باشد.

اگر نکته های تازه ای پیداشد باز هم این قلم در خدمت خوانندگان است.